

# خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۲۰ آذر ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۳۷ - شماره مسلسل ۸۴

## کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری  
Coordinating Committee to Form Workers Organization

### در این شماره:

- |  |  |
|--|--|
| ۵ بازداشت یک فعال دانشجویی                         | ۲ به اعدام محمدرضا حدادی اعتراض کنیم!                          |
| ۵ دستگیری چند فعال کارگری در اطراف سنندج           | ۲ بازداشت یک فعال سیاسی دیگر در خرم آباد                       |
| ۶ تظاهرات اعتراضی کارگران شهرداری کرج              | ۲ اخراج منصور اسانلو را محکوم می کنیم                          |
| ۶ مصادره دستمزد کارگران لوله سازی ماهشهر           | ۳ بازهم معدن سرمایه قتلگاه کارگران شد                          |
| ۶ دستگیری و ضرب و شتم مادران عزادار                | ۳ دستگیری ده ها نفر از خانواده های کارگران در مراسم روز دانشجو |
| ۶ مرگ دو زندانی در اوین                            | ۳ تشدید ستم و سرکوب راه به جایی نمی برد!                       |
| ۶ اعتصاب کارگران مترو در تهران                     | ۴ شرکت مخابرات اریکسون ۶۰۰ کارگر را اخراج می کند               |
| ۷ سرنوشت بیمه بیکاری در سوئد                       | ۴ تظاهرات خانواده های کارگران دستگیر شده در سنندج              |
| ۸ حدیث جنایت سرمایه از «شاهو» تا «خورشید زریبار»   | ۴ واویلا اگر سرمایه دار بسیجی هم باشد!                         |
| ۸ افزایش ساعات کار، دستمزدهای پرداخت نشده کارگران! | ۴ تعویق ۶ ماهه دستمزد کارگران سد سیمره                         |
| ۹ تظاهرات اعتراضی کارگران کارخانه پارسیلون         | ۵ بیانیه ی فرزندان مختاری و پوینده                             |
| ۹ اخراج کارگران نیشکر هفت تپه را محکوم می کنیم     | ۵ بازداشت های اخیر را محکوم می کنیم!                           |



شور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید صفحه ۱۰

## به اعدام محمدرضا حدادی اعتراض کنیم!

های این سنین حتی به شرط ارتکاب جرم باز هم نه مستوجب دادگاه و مجازات و زندان و اعدام بلکه فقط مستحق آموزش و تربیت و بازپروری اخلاقی و شخصیتی هستند. محمدرضا و امثال او حتی اگر جرمی مرتکب شده باشند عامل واقعی جرم نه آنان بلکه جهنم پر از خون و گند و توحش سرمایه داری اسلامی ایران است. محمدرضا انسانی است که نظام بشرکش سرمایه او را به تیغ فقر و گرسنگی تسلیم کرده است، او از همه سو با منجیق قدرت سرمایه سنگباران شده است. سرمایه او را فقیر کرده است. سرمایه او را زیر فشار فقر مجبور به فریب خوردن کرده است. سرمایه او را با شقاوت و درندگی محکوم به کیفر قصاص کرده است. سرمایه او را به زندان انداخته و شکنجه کرده است و اینک به پای چوبه دار می برد. اعدام محمدرضا در زمره کثیف ترین و شنیع ترین جنایات ها است. مبنای حکم اعدام بر بربریت و جهالت و انسان کشی استوار است. **هیچ کس نباید اعدام شود.** اعدام خود بدترین نوع قتل عمدی است. اعدام، حتی اعدام بدترین و شریرترین آدم ها، راه جلوگیری از وقوع هیچ جرمی نیست. هیچ انسانی مجرم متولد نمی شود. این جامعه سرمایه داری و دولت های جنایتکار مدافع و حامی این نظام هستند که مجرم پرورند و مجرم می آفرینند. برای محو جرم، برای داشتن جامعه بدون مجرم، باید نظام سرمایه داری را نابود کرد. صدور حکم اجرای اعدام محمدرضا خواهر وی را و ادار به خودسوزی و مادر او را دچار چند بار سکنه قلبی کرده است. آنچه اینجا توسط دولت سرمایه داری انجام می گیرد فقط برگ کثیف شرارت و جنایت دیگری است که بر کارنامه سراسر جنایت و بشرکشی این نظام افزوده می شود. ما اعدام محمدرضا حدادی را محکوم می کنیم. ما هر نوع اعدام انسان ها را بربرمنشانه و سفاکانه می دانیم. در اوضاع کنونی ایران، این گونه اعدام ها علاوه بر تحمیل بربریت قرون وسطایی بر مردم کارگر در جهت حراست از رابطه اجتماعی سرمایه، هدف سیاسی سرکوب و ارعاب جنبش اعتراضی جاری مردم را نیز دنبال می کند. به همه این دلایل، ما خواستار جلوگیری از اعدام محمدرضا هستیم. محمدرضا حدادی قرار است روز چهارشنبه ۱۸ آذر ۸۸ اعدام شود. ما از همه کارگران و انسان های شریف و آزاده ایران و جهان می خواهیم که فریاد اعتراض خویش را علیه اعدام محمدرضا بلند کنند. همه باید خواستار الغای این حکم شوند. هر نوع سکوت در مقابل این جنایت کمک به تداوم بیشتر این جنایت ها و سببیت ها توسط سرمایه و دولت سرمایه داری است.

### کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۶ آذر ۱۳۸۸

## بازداشت یک فعال سیاسی دیگر در خرم آباد

است ولی از فرهاد همچنان هیچ خبری در دست نیست. ما بازداشت این فعالان را محکوم می کنیم و خواهان آزادی بی قید و شرط آنان هستیم.  
۱۸ آذر ۸۸

یکی از بستگان او به نام فرشاد که روز چهارشنبه ۱۱ آذر دستگیر شده اند همچنان در بازداشت به سر می برند بی آن که حتی خانواده هایشان خبری از آنان داشته باشند. گویا عصر امروز (چهارشنبه ۱۸ آذر) فرشاد به زندان پارسیلون خرم آباد منتقل شده

عباس دالوند، روزنامه نگار و فعال سیاسی- اجتماعی خرم آباد، روز شنبه ۱۴ آذر از سوی ماموران امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر شده است و تاکنون هیچ خبری از او در دست نیست. فرهاد شرفی، دیگر فعال سیاسی- اجتماعی این شهر، و

## اخراج منصور اسانلو را محکوم می کنیم

مشکلی از مشکلات طبقه کارگر ایران را حل نمی کند بلکه با بیراهه بردن مبارزه کارگران علیه سرمایه داری توان پیکار این طبقه را می فرساید و نابود می سازد. جنبش کارگری ایران نیازمند سازمانیابی سراسری شورایی برای نابودی سرمایه

ها مبارزه کرده و هزینه این مبارزه را با زندان و تحمل ببیختی پرداخته است. جرم اسانلو فعالیت سندیکایی است. او یک کارگر سندیکالیست و رئیس هیأت مدیره سندیکای اتوبوسرانان است. ما بارها و هر بار با تأکید گفته ایم که مبارزه سندیکایی نه فقط

دیوان عدالت اداری سرمایه حکم به اخراج منصور اسانلو از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران داده است. اسانلو ۲۶ سال در این شرکت کار کرده و استنثار شده و همراه با همه همزنجیرانش برای سرمایه داران سود تولید کرده است. او در این شرکت سال

فعالیت کارگری خود را حتی برای ایجاد یا گسترش سندیکا ادامه دهد.

۱۷ آذر ۸۸

است که در زندان به سر می برد. او در این مدت شرایط بسیار سختی را تحمل کرده است. دولت سرمایه اینک در ادامه این ستم حکم به اخراج وی داده است. ما صدور این حکم جابرانه و ستمگرانه را محکوم می کنیم. اسائلو باید از زندان آزاد شود و به سر کار خویش باز گردد. همچنین، او حق دارد

داری است. سندیکالیسم گوری است که بر سر راه این مبارزه حفر می شود. اسائلو خواستار نابودی بردگی مزدی نبود. او حرمت نظام سرمایه داری، دولت سرمایه و قانون بازی این نظام را پاس می داشت. اما در جهنم سرمایه داری ایران حتی سندیکالیسم نیز تحمل نمی شود. اسائلو چند سال

## بازهم معدن سرمایه قتلگاه کارگران شد

در اشکال هولناک تر توسط سرمایه به قتل رسیده اند. نظام سرمایه داری نه تنها حاضر به هزینه کردن هیچ ربالی برای بهبود شرایط کار، ایمنی محیط کار، و مسائل ایمنی مورد نیاز کارگران و تضمین امنیت جانی توده های کارگر نیست بلکه حتی دستمزدهای همین کارگران قربانی را نیز تا امروز به بازماندگان آنان پرداخت نکرده است.

۱۷ آذر ۸۸

اند. ۴ کارگر دیگر در معدن هجتک شهر راور استان کرمان کار می کرده اند. اینان نیز هنگام کار دچار گازگرفتگی شدید شده و به هیچ وسیله ایمنی برای نجات از خطر دسترسی نداشته اند. هر ۶ کارگر در مسلخ سودسازی سرمایه قتل عام شده اند و سرمایه داران و دولت سرمایه داری قاتل مستقیم و بدون چون و چرای آن ها هستند. در طول چند سال اخیر ده ها کارگر معدن در معادن اطراف کرمان به ویژه معدن باب نیز در شهر زرنده به همین شکل یا

در طول دو هفته اخیر ۶ کارگر در معدن سودسازی سرمایه جان خویش را از دست داده اند. دو تن از این کارگران در معدن پابدانا کار می کردند و در مرگبارترین و وخیم ترین شرایط کاری استثمار می شدند. معدن پابدانا ۱۰۰۰ کارگر را استثمار می کند و همه این کارگران مدام در معرض خطر وقوع حادثه و از دست دادن جان خود قرار دارند. هر دو کارگر به دلیل فقدان هر نوع ایمنی شرایط کار و محرومیت کامل از امکانات ایمنی تسلیم مرگ شده

## دستگیری ده ها نفر از خانواده های کارگران در مراسم روز دانشجو

خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان روز دانشجو هستیم.

جمعی از کارگران ایران خودرو

۱۶ آذر ۸۸

کنار دانشجویان یکی از ابعاد بزرگ مراسم روز ۱۶ آذر امسال بود. به همین دلیل در میان دستگیرشدگان ده ها نفر از خانواده های کارگری به خصوص کارگران ایران خودرو دیده می شوند. ما جمعی از کارگران ایران خودرو ضمن محکوم کردن حمله نیروهای پلیس به شرکت کنندگان

دوستان و همکاران گرامی

برگزاری مراسم روز دانشجو با وجود فضای امنیتی و حمله نیروهای پلیس به شرکت کنندگان با حضور هزاران نفر دانشجو و دیگر توده های زحمتکش برگزار شد. حضور گسترده زحمتکشان و به خصوص کارگران در این مراسم و ایستادن آنان در

## تشدید ستم و سرکوب راه به جایی نمی برد!

نه این که آزادی مطبوعات و نشریات از جمله دستاوردهای انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷ است که حاکمیت کنونی قاعداً باید آن ها را پاس بدارد؟ پس چرا حتی همین نشریات خودی را که از سوی جناحی از خود حاکمیت منتشر می شوند بر نمی تابد و آن ها را یکی پس از دیگری به محاق توقیف می برد؟ مگر نه این که «روز دانشجو» در مخالفت با کودتای سیاه و ننگین ۲۸ مرداد و ورود نیکسون جنایتکار به ایران در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ شکل گرفت و حاکمیت کنونی ظاهراً خود را «میراثدار» آن مبارزه ضد استبدادی-ضدامپریالیستی می داند؟ پس چرا مراسم دانشجویان را این چنین وحشیانه در هم می کوید؟

مردم آزادی خواه!

چنان که در یکی از بیانیه های اخیر اعلام کرده ایم، حاکمیت در مسیری افتاده است که ادامه حیات خود را در تشدید بیش از پیش سرکوب و ستم جستجو می کند، راه بی بازگشتی که فرجام آن از هم اکنون روشن است: آنان که باد می کارند، توفان درو خواهند کرد. پاسخ پرسش های بالا را در این واقعیت عریان باید یافت. ما تشدید ستم و سرکوب را محکوم می کنیم و بر اساس منشور خود آزادی بیان بی هیچ حصر و استثنا را حق مسلم همگان می دانیم و بر آن پای می فشاریم. به نظر ما، آن چه گذشت همه از مصادیق بارز سرکوب آزادی بیان

کانون نویسندگان ایران

است.

۱۷ آذر ۱۳۸۸

آزادگان! آزادی خواهان!

از منجیق سرکوب همچنان سنگ فتنه می بارد. روز جمعه ۱۳ آذر- روز مبارزه با سانسور- از برگزاری مراسم بزرگداشت محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، جانباختگان راه آزادی و ستم ستیزی، جلوگیری کردند. روز بعد، شنبه ۱۴ آذر، در پارک لاله تهران به تجمع مادران عزاداری که جگرگوشه های شان را در شکنجه گاه ها و خیابان ها به خون کشیده اند یورش بردند و ضمن ضرب و شتم بی رحمانه این سالخوردگان داغدار بیش از بیست تن از آنان را بازداشت و روانه سیماچال ها کردند. دوشنبه ۱۶ آذر، روزنامه «حیات نو» را توقیف کردند. و سرانجام سرکوب روزهای اخیر به اوج خود رسید و در طول روز و شب ۱۶ آذر مراسم مسالمت آمیز «روز دانشجو» با چماق و باتوم و گاز اشک آور و تیراندازی روبه رو شد و صداها تن از دانشجویان و مردم معترض و آزادی خواه دستگیر شدند.

مردم شریف و آزاده!

ما می پرسیم مگر نه این که حاکمیت خود در دی ماه ۱۳۷۷ پذیرفت که پوینده و مختاری و نیز پروانه اسکندری و داریوش فروهر توسط عناصر وزارت اطلاعات به قتل رسیدند؟ پس چرا مانع برگزاری مراسم یادبود این ستمگشتگان می شود؟ مگر نه این که قرار شد شکنجه گران متولی کهریزک به جرم کشتار فرزندان مادران عزادار محاکمه شوند؟ پس چرا به تجمع توأم با سکوت این مادران یورش می برند و آنان را به ضرب مشت و باتوم بازداشت می کنند؟ مگر

## شرکت خابرات اریکسون ۶۰۰ کارگر را اخراج می کند

ها در کدام کشورها صورت خواهد گفت توضیحی نداده اند.  
منبع: سایت نروژی جنبش آزاد اتحادیه ای  
دسامبر ۲۰۰۹

در یک کلام نجومی کردن هر چه بیشتر ارقام سود این تراست اعلام کردند. شرکت مخابرات اریکسون ۸۰۰۰ کارگر را در سطح بین المللی استنثار می کند. سرمایه داران اریکسون در مورد این که اخراج

سرمایه داران اریکسون روز پنج شنبه سوم دسامبر اعلام کردند که ۶۰۰ کارگر را اخراج خواهند کرد. آنان دلیل این اخراج ها را بهبود وضعیت اقتصادی شرکت، افزایش امکان رقابت سرمایه های اریکسون، صرفه جویی سالانه ۱۱۵ میلیون دلار و

## تظاهرات خانواده های کارگران دستگیر شده در سنندج

هفت تپه و تلاش برای جمع آوری کمک مالی برای خانواده های این زندانیان بوده است.  
منبع: آژانس ایران خبر  
۱۵ آذر ۸۸

خانواده های ۱۱ کارگر دستگیر شده در شهر سنندج در مقابل دادگاه سرمایه اجتماع کردند و در اعتراض به دستگیری عزیزان خویش دست به تظاهرات زدند. بیش از ۶۰ نفر در این تظاهرات شرکت داشتند. دستگیرشدگان کارگرانی هستند که تنها جرم آنان ابراز همدلی با کارگران زندانی و اخراج شده نیشکر

## واویلا اگر سرمایه دار بسیجی هم باشد!

کارگر را به کار می گیرند و به جانکاه ترین شکل استنثار می کنند و آنگاه به محض این که کارگری مطالبه دستمزد کند او را به بیرون پرتاب می کنند. به بیان دیگر، تمامی آشپزخانه های بسیج مستضعفان در زیرزمین مساجد تهران کارگران را به بیگاری می گیرند و در قبال ماه ها کار حتی یک ریال هم به آنان پرداخت نمی کنند. در جهنم سرمایه داری ایران همه سرمایه داران چنین هستند و واویلا اگر این سرمایه داران خونخوار در عین حال بسیجی سرکوبگر هم باشند!!  
منبع: آژانس ایران خبر  
۱۵ آذر ۸۸

آنان مدام به همین جا رجوع می کنند و خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه خود می شوند اما تنها پاسخ کارفرمای بسیجی این است که ندارم، ندارم و این کلمه را چند بار تکرار می کند. چند بار هم شنیدیم که کارگران اعتراض می کردند و سخن از شکایت به میان می کشیدند و در این هنگام بود که کارفرمای بسیجی فریاد می کشید و می گفت: « بروید هر غلطی می خواهید بکنید. ما این قدر سببه مان پرزور است که هیچ راهی به جایی نخواهید برد». روزهای زیادی کار کردم و شاهد وقوع این مشاجرات بودم و پس از این مدت دریافتم که ماجرا از چه قرار است. واقعیت بسیار تلخ این بود که کارفرمایان بسیجی با استفاده از موقعیت نظامی و نقش سرکوبگرانه خویش چند ماه چندماه عده ای

آنچه در زیر می آید سخنان افشاگرانه یک کارگر است که در گفتگو با خبرنگار یکی از رسانه ها در میان نهاده است:

چند سال است که زیرزمین برخی مساجد را به محل طبخ غذا تبدیل کرده اند. این امکان در اختیار بسیج قرار دارد و غذای بسیجیان را طبخ و آماده می سازد. من هم حدود دو سال کارگر یکی از همین آشپزخانه ها در خیابان آزادی بودم. مدتی که از شروع کارم گذشت مشاهده کردم که کارگران زیادی برای دریافت حق و حقوق خویش مراجعه می کنند. از گفتگوها متوجه شدم که هر کدام آنان ماه ها در اینجا کار کرده اند و استنثار شده اند اما در تمامی مدت حتی یک ریال هم دستمزد دریافت نکرده اند!!

## تعویق ۶ ماهه دستمزد کارگران سد سیمره

تومان حقوق می گیرم و سه فرزند دارم ولی اکنون ۶ ماه است که هیچ ریالی نگرفته ام». علیرضا یکی دیگر از کارگران نیز در درد دل را باز می کند. او می گوید: « دخترم کلاس اول است و از من کیف و لباس خواسته است ولی به دلیل این که حقوق نگرفته بودم نتوانستم برای او چیزی بخرم». او اضافه می کند: « هیچ کار دیگری در این منطقه نیست. مجبوریم در این سد کار کنیم. بیشتر اوقات هر سه ماه یک بار حقوق می گرفتیم ولی در حال حاضر ۶ ماه است هیچ دستمزدی نگرفته ایم و فقط با سیلی صورتمان را سرخ می کنیم».  
۱۵ آذر ۸۸

دستمزد نگرفته اند. تعویق حقوق ها از همان آغاز در اینجا امری عادی بوده است اما زمان تعویق به تدریج طولانی و طولانی تر شده است و اینک از مرز ۶ ماه گذشته است. یکی از کارگران می گوید: « چهار فرزند دارم که همه بیکار هستند. فقط خودم در این سد مشغول کار هستم ولی ۶ ماه است حقوق نگرفته ام و تامین مخارج زندگی برایم غیرممکن شده است». کارگر دیگری دنباله حرف او را می گیرد: « در حال حاضر برای تامین مخارج زندگی خود ناچار به قرض گرفتن از اقوام هستم و شب وقتی به خانه می روم شرمنده خانواده خود هستم. نمی دانم چه کنم». یکی از رانندگان سد با دلی دردناک فریاد می زند که: « ماهی ۳۵۰ هزار

احداث سد سیمره یکی از پروژه های مهم سد سازی در استان ایلام است. این سد بر روی رودخانه سیمره از شعبات رود کرخه بسته می شود. سد در ۴۰ کیلومتری شهرستان دره شهر تأسیس می گردد و نیروگاه سیمره نیز در همین جا در دست احداث است. در اینجا جمعیت کثیری کارگر کار می کنند و استنثار می شوند. شرایط کار آنان بسیار دشوار و مرگبار است. همه آنان از سختی کار و وخامت شرایط کار ناله می کنند و همه می گویند که تنها دلیل ادامه کارشان در اینجا این است که هیچ کجای دیگر هیچ امکانی برای اشتغال آنان نیست. کارگرانی که در این وضعیت کار می کنند و استنثار می شوند اینک ۶ ماه است که هیچ ریالی

## بیانیه ی فرزندان مختاری و پوینده

ما بی هیچ حس انتقام جویانه ای خواهان افشای حقایق این جنایات و نیز تمام جنایات دولتی در سی سال گذشته کشورمان هستیم. و همچون پدرانمان لغو مجازات اعدام و برچیدن دستگاه سانسور و سرکوب را پیش شرط تحقق آزادی و اعتلای فرهنگی در کشورمان می دانیم.  
یادشان گرامی و افکارشان جاویدان  
**نازنین پوینده و سهراب مختاری**  
یکشنبه ۱۵ آذر ۸۸

نیز نیروهای انتظامی و امنیتی از برگزاری مراسم سالگرد فرورها و مختاری و پوینده ممانعت کردند.  
اما ما همچنان بر خواسته بحق خود استوار ایستاده ایم و تا زمانی که زنده ایم برای اجرای عدالت و افشای حقایق این قتل ها که علیه آزادی خواهی و جامعه ی روشنفکری در ایران صورت گرفت، تلاش خواهیم کرد.

یازده سال از فاجعه ی قتل پدرانمان محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، دو نویسنده ی آزاده و عضو برجسته ی کانون نویسندگان ایران، گذشت و هنوز هویت آمرین و عاملین این جنایت هولناک برای خانواده های قربانیان و مردم ایران افشا نشده است. یازده سال است که به خانواده های ما حتی اجازه ی برگزاری مراسم شایسته ای برای گرامی داشت یاد و راه این دو نویسنده ی آزاده داده نمی شود و امسال

## بازداشت های اخیر را محکوم می کنیم!

در کدامین کشور رفتن به پارک ممنوع است؟  
جرم مادران ما چیست؟  
در کدامین کشور درس خواندن جرم است؟  
دوستان کارگر!  
بیشتری تا کی؟  
به این وضع اعتراض کنیم.  
وضعیتی که دولت به وجود آورده غیر قابل تحمل است.  
داشتن آزادی حق مسلم ما انسان ها است.  
زنده باد آزادی!  
**جمعی از کارگران ایران خودرو**  
منبع: خودروکار  
۱۵ آذر ۸۸

دوستان و همکاران گرامی!  
طی چند روز اخیر ده ها نفر از کارگران دانشجویان و مادران عزادار دستگیر و روانه زندان ها شده اند.  
در بین این دستگیر شدگان ده ها کارگر وجود دارند که همه دوستان ما کارگران هستند،  
ده ها نفر دانشجو که فرزندان و دوستان ما هستند،  
ده ها نفر مادر که همه آن ها از مادران ما هستند.  
دولت چشمان خود را بسته و هر کسی را که دلش می خواهد دستگیر و روانه زندان می کند.  
فضای کشور کاملاً امنیتی شده و هیچ کس حتی حق پارک رفتن را ندارد.  
در کدام کشور خواستن حقوق عقب افتاده جرم است؟  
در کدام کشور داشتن تشکل جرم است؟  
در کدامین کشور رفتن به کوه جرم است؟

## بازداشت یک فعال دانشجویی

توضیحات به کمیته انضباطی برود که ساعتی پیش از آن دستگیر شد. فواد شمس باید بی قید و شرط آزاد شود.  
۱۴ آذر ۸۸

از طریق نیروهای حراست دانشگاه از بازداشت وی مطلع شده اند. گویا این بازداشت با اطلاع و هماهنگی نیروهای حراست دانشگاه تهران انجام شده است. این فعال دانشجویی، وبلاگ نویس و روزنامه نگار در روزهای اخیر به کمیته انضباطی احضار شده بود و قرار بود که روز چهارشنبه برای ادای

بنابر اخبار منتشر شده، فواد شمس فعال دانشجویی و دانشجوی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران روز چهارشنبه ۸۸/۹/۱۱ در حال خروج از دانشکده توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. او تاکنون هیچ تماسی با خانواده خود نگرفته است و معلوم نیست در کجا نگاه داری می شود. خانواده وی

## دستگیری چند فعال کارگری در اطراف سنندج

جمله اقدام انسانی جمع آوری کمک مالی برای خانواده های کارگران دربند حق مسلم و بی چون و چرای تمام جامعه است و ما جلوگیری از این فعالیت توسط دولت سرمایه داری ایران را محکوم می کنیم.  
۱۵ آذر ۸۸

و شتم قرار گرفته اند و با آن که حال جسمانی برخی از آنان وخیم گزارش شده از انتقال آن ها به بیمارستان ممانعت به عمل آمده است. همچنین، آزادی آنان مشروط به تامین وثیقه های بسیار سنگین تا حد صد میلیون تومان شده است. ما به بازداشت این فعالان کارگری اعتراض می کنیم و خواهان آزادی بی قید و شرط آنان هستیم. فعالیت کارگری از

تنی چند از فعالان کارگری سنندج که روز جمعه ۸۸/۹/۱۳ به قصد گلگشت کارگری و جمع آوری کمک مالی برای خانواده های کارگران زندانی نیشکر هفت تپه به یکی از روستاهای اطراف سنندج رفته بودند هنگام بازگشت به سنندج بازداشت شدند. طبق اخبار منتشر شده، این فعالان که همراه خانواده های خود بوده اند در بازداشتگاه سخت مورد ضرب

## تظاهرات اعتراضی کارگران شهرداری کرج

شهرداری در هر کجا که نیاز بود به حمایت از سرمایه داران پیمانکار و علیه کارگران وارد میدان شد. همین شرکت ها اکنون تصمیم به اخراج شمار زیادی از کارگران رفتگر گرفته اند. کارگران در اعتراض به این جنایت در مقابل استانداری کرج اجتماع کردند و دست به تظاهرات زدند. آنان خواستار ادامه کار و تضمین اشتغال خویش هستند.

منبع: آژانس ایران خبر  
۱۴ آذر ۸۸

واگذار کردند. از آن به بعد همین شرکت ها بودند که کارگران را در چهارچوب قراردادهای کوتاه مدت بدون هیچ نوع تضمین اشتغال با نازل ترین دستمزدها به کار گرفتند. شدت استثمار آنان را به گونه ای مرگبار بالا بردند. هر نفس اعتراضی کارگران را خاموش ساختند. به هیچ خواست آنان توجه ننمودند و با مشاهده هر نوع ابراز نارضایتی و اعتراض آنان احکام اخراج معترضان را بی درنگ صادر کردند. شرکت ها با کارگران چنین کردند و

منطقه ۵ شهرداری کرج شمار کثیری از کارگران رفتگر را اخراج کرده است. این کارگران سال هاست که به صورت قراردادی در سخت ترین شرایط کار کرده و مورد استثمار قرار گرفته اند. در گذشته های دور، روال کار شهرداری به این صورت بود که نیروی کار مورد نیاز خود را به طور مستقیم استخدام می کرد. این وضع بعدها تغییر کرد و سرمایه داران دولتی مسئول شهرداری بخش اعظم کارهای خود را به شرکت های مقاطعه کاری

## مصادره دستمزد کارگران لوله سازی ماهشهر

دستمزدها کار را متوقف خواهند کرد. آنان خواستار پرداخت بی درنگ همه مطالبات خود هستند.

منبع: آژانس ایران خبر  
۱۴ آذر ۸۸

لوله سازی ماهشهر یکی از مهم ترین مجموعه های صنعتی تولید کننده لوله در منطقه خاورمیانه است. این شرکت صدها کارگر را در شرایط کاری بسیار سخت و مرگبار استثمار می کند. کارگران اینک ۲ ماه است که هیچ ریالی دستمزد نگرفته اند و کل دستمزد و مطالبات آنان توسط سرمایه داران مصادره شده است. چند صد کارگر کارخانه تهدید کرده اند که در صورت ادامه تعویق

## دستگیری و ضرب و شتم مادران عزادار

نامعلوم منتقل ساختند. آنان به دستگیری و ضرب و شتم مادران بسنده نکردند. از اجتماع مادران و حتی کسانی که در پارک یا خیابان های مجاور آن آمد و رفت می کنند فیلمبرداری کردند تا بعدها افراد راشناسایی و دستگیر و روانه سیاهچال ها سازند.

منبع: هرانا  
۱۴ آذر ۸۸

از مادران در این پارک اجتماع کردند و دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات بی درنگ با تهاجم نیروی سرکوب مواجه شد. صدها بسیجی و پلیس و نیروهای دیگر که از قبل در پارک مستقر بودند با بیرحمی و شقاوت تمام به جان مادران افتادند. بر اساس گزارشات رسیده، سرکوبگران حداقل ۱۵ تن از مادران عزادار را دستگیر کردند و به نقاط

مادران داغداری که فرزندان آنان در تظاهرات خیابانی یا در زندان ها در زیر شکنجه به قتل رسیده اند، مطابق معمول، هر هفته روزهای شنبه در پارک لاله تهران جمع می شوند تا متحدانه فریاد اعتراض سر دهند و بانگ دادخواهی خود علیه حاکمان سرمایه را به گوش ساکنان جامعه و جهان برسانند. روز شنبه ۱۴ آذر نیز جمعیت قابل توجهی

## مرگ دو زندانی در اوین

را از دست داده اند. یکی از آن ها که صاحبقتی رجبی نام داشته دو ماه تمام از یک بیماری وخیم و مرگبار می نالیده است. او در طول این مدت از همه امکانات لازم دارو و درمان محروم مانده بوده است. در مورد هویت زندانی دیگر خبری به بیرون از زندان درز نکرده است.

منبع: هرانا  
۱۴ آذر ۸۸

زندانبانان سرمایه حتی زندانیان عادی را زجرکش می کنند. هر زندانی بیماری که مفلوک تر و بیکیس تر باشد راحت تر زجرکش می شود. برنامه زجرکش این گونه است که زندانی مریض را به حال خود رها می کنند و او را از دکتر و دارو و بیمارستان محروم می کنند. زندانی بیمار مجبور می شود که برای روزهای طولانی کشنده ترین و طاقت فرساترین دردها را تحمل کند و در واقع زجر بکشد. پایان این روند، مرگ توأم با زجر و شکنجه و محنت زندانی است. در طول همین چند روز اخیر دو زندانی در اوین به همین ترتیب جان خود

## اعتصاب کارگران مترو در تهران

گذارند و ثانیاً همین نارضایتی و خشم را به موج نارضایتی همزنجیرانشان در تهران و شهرهای دیگر پیوند بزنند. کارگران مدت ها این کار را انجام دادند اما مطابق معمول تا زمانی که گوش، گوش آهن و سنگ و فولاد و بی نیاز از شنیدن سرمایه است و سینه، سینه ضعیف و خسته و فرسوده کارگر، آنچه هیچ گاه به جایی نرسد فریاد است. کارگران به دنبال بی نتیجه ماندن این سطح از اعتراض و کم کاری

دریافت حق سختی کار هستند. شهرداری تهران در مقام سرمایه دار دولتی شرکت مترو به هیچ کدام از این خواست ها در هیچ سطحی هیچ توجهی نکرده و مدام بر فشار کار رانندگان افزوده است. اعتصاب محدود کارگران در شکل کم کاری آغاز شد. آنان در طول کار روزانه از توقف در برخی ایستگاه ها خودداری می کردند تا اولاً شدت انزجار و نارضایتی خود از دولتمردان سرمایه دار را با همگان در میان

کارگران راننده مترو تهران ۲ ماه است که خشم و اعتراض خویش علیه سرمایه داران دولتی و دولت سرمایه را در شکل اعتصاب محدود به نمایش نهاده اند. آنان از این طریق فشار بی حقوقی ها و مصائب ناشی از تشدید سبعانه استثمار خود توسط شهرداری و دولت را به اطلاع همه همزنجیران خود، همه ساکنان شهر تهران و جامعه رسانده اند. کارگران خواستار افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار و

تصمیم به گسترش و تشدید مبارزات خویش گرفتند. آنان از توقف در ایستگاه های بیشتری خودداری کردند و به سرمایه داران دولتی مسئول شهرداری اخطار نمودند که خواستار تحقق مطالبات خود هستند. شهرداری باز هم سکوت کرده است و کارگران هشدار داده اند که بر شدت مبارزات خود خواهند افزود.

یک نکته قابل توجه در مورد سیر اعتراضات کارگران راننده مترو این است که جناح های مختلف دولت سرمایه هر کدام تلاش کرده اند تا به نوعی و

با توسل به تمامی ترندهای جنایتکارانه از وضعیت حاضر به نفع خویش و علیه همدیگر بهره جویند. باند احمدی نژاد کوشیده است تا با عوام فریبی و شایعی چنین وانمود کند که گویا با اعتراضات کارگران همدلی و همسویی دارد!! و دار و دسته قالیباف و رفسنجانی نیز به سهم خود و با دسیسه های دیگر کوشش کرده اند که اعتصاب کارگران را به تحریک روزنامه های رسمی وابسته به باند احمدی نژاد نسبت دهند.

نکته بسیار اساسی تر در طول اعتصاب محدود کارگران راننده مترو همدلی سایر همزنجیران آنان با موج اعتراض در سطح شهر تهران بوده است. اقدام رانندگان به اجتناب از توقف در ایستگاه ها، نه فقط نارضایی سکنه کارگر شهر را به دنبال نداشته است، بلکه همه جا بر همدلی و همصدایی آنان با همزنجیران خویش علیه سرمایه داران دولتی و دولت سرمایه داری افزوده است.

۱۴ آذر ۸۸

## سرنوشت بیمه بیکاری در سوئد

کارگران سوئد تا دهه ۷۰ قرن پیش از بالاترین میزان بیمه بیکاری برخوردار بودند و در قیاس با بسیاری از جوامع حتی کشورهای اروپای غربی وضع بهتری داشتند. در آن هنگام هر کارگری در صورت از دست دادن کار در تمامی دوران بیکاری کل حقوق زمان اشتغال خود را دریافت می کرد. بیمه بیکاری به میزان ۱۰۰ درصد دستاوردی بود که طبقه کارگر سوئد همراه با برخی دستاوردهای دیگر در پرتو مبارزات توفانی ضدسرمایه داری کارگران اروپا در دهه های پیش، در پرتو قیام کموناردها، وقوع انقلاب کارگری اکتر و سایر خیزش های عظیم جنبش کارگری قاره، آن را بر نظام بردگی مزدی تحمیل کرده بود. در دهه ۸۰، با گسترش موج بحران در دنیای سرمایه داری، با سرکشی بیش از پیش تناقضات ذاتی سرمایه جهانی، با رشد سرطانی متوسط ترکیب ارگانیک در سطح سرمایه بین المللی (بالا رفتن نسبت سرمایه ثابت به سرمایه متغیر) با تشدید فروماندگی سرمایه زیر فشار کاهش نرخ سودها و بالاخره و به عنوان حاصل همه این ها با اوج گیری نیاز سرمایه به افزایش نرخ اضافه ارزش ها، آری با وقوع همه این رویدادها، دولت سرمایه داری سوئد موج نیرومندی از تعرض علیه همه دستاوردهای جنبش کارگری را آغاز کرد. دولت های سرمایه اعم از چپ و سوسیال دموکرات یا لیبرال و محافظه کار و نئولیبرال هر کدام بدتر از دیگری بر فشار این تعرضات افزودند. اتحادیه کارگری سوئد و کل رفرمیسم راست سندیالیستی نیز گام به گام وظیفه سلاح کارساز سرمایه داران برای سازماندهی و اجرای این تعرضات را به دوش گرفت. بیمه بیکاری در همین راستا، زیر فشار همین تعرضات از ناحیه همه بخش های سرمایه و رفرمیسم درون جنبش کارگری، در دهه ۸۰ تا سطح ۹۰ درصد کاهش یافت.

تاریخ به جلو شتافت. تناقضات ذاتی سرمایه و بحران زائی اندرونی و اجتناب ناپذیر آن تشدید و بازهم تشدید شد. رفرمیسم اتحادیه ای برای ایفای نقش خود در هیأت سلاح سرمایه بیش از پیش

معرکه گیر میدان ها شد و علیه کارگران با سرمایه داران و دولت ها همدستی کرد. تمامی سرمایه داران و دولت آن ها و اتحادیه سراسری کارگران سوئد برای برنامه ریزی تعرضات گسترده تر و سهمگین تر علیه سطح دستمزدها و علیه همه امکانات معیشتی و رفاهی کارگران به تقلا افتادند. توفان تهاجم و تعرض به راه افتاد، همه چیز در کام گردباد سوداندوزی سرمایه غرق شد. بیمه بیکاری از ۹۰٪ به ۸۰٪ و بسیار زود به ۷۵٪ سقوط کرد. مشکل ولی به اینجا محدود نماند. موج هجوم سرمایه حتی در همین زمینه معین، درمورد بیمه بیکاری، بی محابا و بدون تصادم با هیچ مقاومت بنیادی ضدسرمایه داری توده های کارگر به پیش تاخت. قبلا دوره های پرداخت غرامت بیکاری ۳۰۰ روز بود و این دوره به گونه ای بسیار ساده با مشارکت بیکاران در برخی دوره های چند ماهه آموزشی برای چندین بار قابل تکرار بود. سرمایه این بخش از قرار و قراردادهای مربوط به بیمه بیکاری را نیز تغییر داد. سرمایه داران و دولت ها و اتحادیه کارگری پا در رکاب آنان شمار دوره های قابل تکرار بیمه بیکاری را به دو بار کاهش دادند. این موج تعرض نیز در هیچ کجا با هیچ مقاومت ضدسرمایه داری کارگران مواجه نشد. نظام سرمایه داری و دولت مردانش با چشمان باز و سر هشیار خوب دریافتند که مسیر تهاجم هموار است و می توان تا دور دست ها پیش رفت و به همه ویرانی ها دست یازید. آنان چنین کردند و ۳ سال پیش در مجلس قانونگزاری سرمایه تصویب کردند که هر کارگر به محض بیکاری فقط ۲۰۰ روز ۸۰٪ حقوق روزهای اشتغال را دریافت خواهد کرد، در روزهای بعد فقط ۷۰٪ و ۶۵٪ خواهد گرفت و در پایان ۳۰۰ روز هیچ دیناری بیمه بیکاری دریافت نخواهد کرد. اینک سال چهارم اجرای این قانون کارگرکش سرمایه آغاز شده است. بر اساس آمارهای رسمی دولتی بیش از نصف کارگران بیکار از دایره شمول بیمه بیکاری به طور کامل طرد و اخراج شده اند. این آمار در شرایطی اعلام

می شود که شمار بیکاران سوئد از مرز نیم میلیون نفر تجاوز کرده است و فقط در طول یک سال اخیر در همان حال همزمان است با درج گزارش منابع رسمی سرمایه در همه رسانه های خبری سوئد دایر بر این که در طول سال های آینده بحران سرمایه مهار خواهد شد!! اما بیکاری توده های کارگر نه فقط کاهش نمی یابد بلکه همچنان با شتاب و وسعت سابق دچار افزایش خواهد بود. آتش آن قدر شور شده که خان هم حس کرده است. رئیس سابق واحد بازرسی اداره بیمه گفته است که در حال حاضر نمی توان گفت که در کشور سوئد چیزی به نام بیمه بیکاری وجود دارد. او توضیح می دهد که شمار کارگران مشمول دریافت غرامت ایام بیکاری در سال ۲۰۰۴ حدود ۷۴ درصد کل بیکاران بوده است اما این رقم در سال ۲۰۰۸ به ۵۱ درصد و در طول سال جاری به ۴۶ درصد کاهش یافته است. این ها واقعیات تلخی است که در طول این چند سال فقط در مورد سرنوشت بیمه بیکاری کارگران در جامعه سوئد رخ داده است. این شکل تعرضات سرمایه، مزدوری جنبش اتحادیه ای در خلع سلاح توده های کارگر و بالاخره عقب نشینی های دردناک جنبش کارگری در مقابل نظام بردگی مزدی حوادثی هستند که در همه قلمروهای حیات اجتماعی طبقه کارگر به وقوع پیوسته است. هر لحظه وقوع این رویدادها کارگرکش در عین حال ناقوس بروز سونامی های سهمگین تری است که از زهدان حیات سرمایه مدام فوران می کند و بر زندگی توده های کارگر دنیا سرریز می شود. قرنی است که کارگران آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در حوزه پیکار خود علیه نظام سرمایه داری برای تحمیل مطالباتی از نوع بیمه بیکاری بر صاحبان سرمایه و دولت ها پای می فشارند و سرمایه داری نه فقط در هیچ کجا به این مطالبات تن نداده بلکه در اروپا و آمریکا نیز تمامی دستاوردهای روزگاران گذشته جنبش کارگری را به آتش کشیده است. یکی از درس مهم این رویدادها برای کارگران ایران درک هر چه

عمیق تر ماهیت رفرمیسم متعفن اتحادیه ای است. اتحادیه ها و جنبش سندیکایی در قلب اروپا نقش سلاح کشته سرمایه را علیه کارگران ایفا کرده اند و می کنند. تمامی تعرضات جنایتکارانه سرمایه علیه طبقه کارگر با همدستی و نوکری مستقیم و سازمان

یافته آنان صورت گرفته و می گیرد. جنبش سندیکایی چنین است و کارگران ایران باید بدانند که نسخه نویسان این جنبش نه دلسوزان آن ها بلکه هموارسازان راه تعرض بیش از پیش سرمایه علیه آنان هستند.

منبع: روزنامه اینترنتی اتحادیه سراسری کارگران سوند (LO) دسامبر ۲۰۰۹

## حدیث جنایت سرمایه از «شاهو» تا «خورشید زریبار»

رویدادهای کارخانه شاهو در کردستان را خوب به یاد داریم. چند سال متوالی بود که کارگران این کارخانه مدام در حال اعتراض، مبارزه و جنگ و ستیز علیه سرمایه داران بودند. محو اصلی مبارزه کارگران تضمین اشتغال آنان و پرداخت باموقع دستمزدها بود. سرمایه داران دو پای خود را در یک کفش کرده بودند که زیر فشار بدهکاری و وخامت وضعیت مالی قادر به ادامه کار و پرداخت دستمزدها نیستند!! آنان با توسل به همین دستاویز دروغین، اولاً حقوق کارگران را برای ماه های طولانی مصادره می کردند و ثانیاً هر چند وقت یک بار شماری از آنان را اخراج می نمودند. کارگران کارخانه به این جنایات اعتراض داشتند. به همه نهادهای دولتی شکایت می کردند. دست به راه پیمایی، تحصن و تظاهرات و سایر اشکال مبارزه می زدند. اما تمامی این اعتراضات و شکایات یا بدون پاسخ می ماند و یا توسط نیروهای انتظامی و امنیتی سرکوب می شد. در این میان کارگران نیز هیچ گاه دست به کار تدارک تعرضات نیرومند و تعیین کننده با هدف تحمیل خواسته های خود بر سرمایه داران و دولت سرمایه داری نشدند. اشکال معمول مبارزات کارگران لطمه چندان به سرمایه دار، به تولید کارخانه، به سود شرکت و به روند انباشت و سرمایه اندوزی سرمایه داران وارد نمی کرد. سرمایه دار و دولت طبقه او ترجیح می دادند برای مدت های طولانی کارگران را در دالان های پیچ در پیچ دیوان سالاری سرمایه به بازی گیرند و

به آنان توصیه کنند که عریضه های بیشتری به ادارات ارسال دارند. همه تلاش عوامل دولتی سرمایه آن این بود که کارگران به این نوع کارها ادامه دهند تا خسته و مأیوس شوند و در نهایت دست از مبارزه برای مطالبات خویش بردارند. آنان با این کار همزمان به سرمایه داران مجال می دادند تا سرمایه های خویش را به راحتی به حوزه های پرسودتر منتقل کنند. با خارج ساختن میلیاردها تومان سرمایه حاصل استثمار کارگران از بانک ها دست به سرمایه گذاری ها کلان تر و پرسودتر بزنند. کارگران را اخراج کنند و به جای آن ها نیروی کار ارزان تر، پرکارتر، کم توقع تر، بی تجربه تر، مطیع تر و تسلیم تر و در یک کلام بسیار سودآورتر را مورد استثمار قرار دهند. کارگران استخدامی را بیرون ریزند و به جای آن ها نیروی کار قراردادی سفید امضار، بدون هیچ نوع تضمین برای هیچ مدت، به کار گمارند. سرمایه داران و دولت سرمایه با اعتراضات کارگران شاهو یا کارگران همه مراکز کار و تولید دیگر چنان می کردند تا به سرمایه داران فرصت دهند که نقشه های ضدکارگری خود برای سرمایه گذاری های انبوه تر و رسیدن به سودهای نجومی تر را با فراغ بال به اجرا بگذارند و به فرجام برسانند. سرمایه دار شاهو در پرتو این حمایت های سازمان یافته و برنامه ریزی شده دولتی و البته به یمن پرهیز کارگران از دستیاری به راهکارهای تعرضی مانند تشکیل شورای ضدسرمایه داری و تصرف کارخانه، در

طول سال های یاد شده توانست همه رؤیاهای خود را جامه عمل پوشاند. خط تولید نساجی را تغییر داد. عرصه ای از تولید را که در شرایط روز کمتر سودآور بود با حوزه ای از انباشت با سودهای مطلوب تر تعویض کرد. نساجی شاهو را به نوشابه سازی خورشید زریبار تبدیل کرد. کارگران قدیمی را بیکار کرد و ۱۶۰ کارگر جوان با نیروی کار شبه رایگان را جایگزین آنان ساخت. فشار کار را چند برابر ساخت. ساعات کار روزانه را تا ۱۶ ساعت بالا برد. کارگران را محکوم ساخت که فقط در روزهای مورد نیاز سرمایه در سر کار حاضر شوند و هر گاه که مورد نیاز نیستند وارد کارخانه نشوند و هیچ دستمزدی مطالبه نکنند.

سرمایه دار به همه این اهداف کارگرکش دست یافت و فشار کار را چنان بالا برد که چند کارگر قدیمی باقی مانده خودشان به دلیل ضعف جسمانی و پیری و عجز از انجام کارهای طاقت فرسا، تقاضای بازنشستگی کنند. کارگران این کار را کرده اند اما سرمایه دار حتی حاضر به قبول سهم کارفرمایی بیمه بازنشستگی آنان نیست. مالک کارخانه جدید با همدستی سازمان تأمین اجتماعی بسیار نقشه مند و برنامه ریزی شده دست به کار توطئه و اجرای ترفند برای محروم کردن کارگران از همان حقوق ناچیز بازنشستگی هستند.

منبع: آژانس ایران خبر  
۱۲ آذر ۸۸

## افزایش ساعات کار، دستمزدهای پرداخت نشده کارگران!

پرداخت نشده است. کیانمهر با گستاخی به کارگران معترض گفته است که این طلب شما مربوط به دوره زرکش مدیر سابق است، تا ببینیم چه کار می کنیم!! همچنین دستمزدهای مهر ماه کارگران در ماه پیش با بیش از ۲۰ روز تاخیر پرداخت شد. در مقابل این تاخیر کارگران با افزایش ضایعات به اعتراض پرداختند. این تاکتیک اعتراضی کارگران نتیجه داد و دستمزدهای آبان ماه بموقع و به سرعت به حساب کارگران واریز شد. لازم به یادآوری است که شرکت مهرکام پارس در برابر ایران خودرو متعهد است اگر روزانه قطعه های سفارشی ایران خودرو را با یک دقیقه تاخیر ارسال کند باید یک میلیون تومان خسارت به ایران خودرو بپردازد. حالا اگر کارگران فقط با یکروز اعتصاب کار را بخوابانند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ روشن است کیانمهر و همدستانش بدجوری در محمصه خواهند افتاد و ناچارند تسلیم خواست های کارگران شوند! کارگران مهر کام پارس نباید زیر بار این بردگی تمام عیار بروند. ساعات اضافی کار

بنا به خبر دریافتی، زمان کار در شرکت مهر کام پارس ایران خودرو که قبلاً ۳ شیفت ۸ ساعته بود، اخیراً به دستور کیانمهر مدیر جدید مهر کام پارس، به دلیل افزایش تولید و با استفاده از همان تعداد کارگران سابق، به ۲ شیفت کاری ۱۲ ساعته تغییر یافته است!! با اجرای این تصمیم ضدکارگری کیانمهر، عملاً روزی ۴ ساعت به زمان کاری کارگران افزوده شده است. در جواب اعتراض کارگران به افزایش ساعات کار، کیانمهر گفته است ۱۵ درصد به مبلغ آکورد (حق بهره وری) کارگران اضافه خواهد شد. قابل توجه است که میانگین دریافت آکورد هر کارگر حدود ۶۰ هزار تومان است که ۱۵ درصد افزایش آن در ماه ۹ هزار تومان می شود!! این یعنی افزایش بیش از ۱۰۰ ساعت کار کارگران در ماه در ازای ۹ هزار تومان افزایش آکورد!! تازه آن هم اگر این افزایش بموقع پرداخت شود!! علاوه براین، حق آکورد کارگران مربوط به ۴ ماه گذشته، اردیبهشت، خرداد، تیر و مرداد به دلیل دزدی سرمایه داران و عوامل کارفرما تاکنون

## خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

ساعته، واقع در جاده مخصوص کرج از جمله مراکز اصلی تولید سپر و داشبرد و دیگر لوازم جانبی خودرو می باشد. همچنین کیانمهر و همدستانش از باندهای نزدیک به احمدی نژاد قاتل می باشند.  
کارگران ایران خودرو  
۹ آذر ۸۸

داوطلبانه کارگران باید با نرخ دو برابر دستمزد ساعات عادی کار پرداخت شود. امنیت شغلی، دستمزدهای مکفی مطابق با سطح تورم و نیازهای یک زندگی انسانی، بیمه بیکاری، لغو قراردادهای سفید امضا و یک طرفه پیمانکاری، حق تشکل و اعتصاب و ۵ روز کاری ۶ ساعته در هفته از جمله حقوق ابتدایی کارگران است. شرکت مهر کام پارس با بیش از ۴۰۰۰ کارگر قراردادی سفید امضا و پیمانی با پایه دستمزدهای ۲۶۴ هزار تومانی، هم اکنون در ۲ شیفت ۱۲

### تظاهرات اعتراضی کارگران کارخانه پارسیلون

این سال ها در آتش گرسنگی و بدهکاری و فقر و آوارگی خاکستر شده اند. کارگران در تظاهرات خویش گرسنگی خود را فریاد می زدند و خواستار پرداخت فوری مطالباتشان بودند.

منبع: آژانس ایران خبر

۱۲ آذر ۸۸

شرکت در اختیار سرمایه داران خصوصی قرار داشت. از تاریخ اجرای نوبت اخیر ۳ سال می گذرد و ۳۶۰ کارگر مشمول این نوبت در طول این ۳ سال هیچ ربالی حقوق و سایر مطالبات خود را دریافت نکرده اند. هر کدام از این کارگران مبلغی بالغ بر ۱۱ تا ۱۲ میلیون تومان از سرمایه دار طلب دارند، در حالی که خودشان و افراد خانواده هایشان در طی

کارگران بازنشسته کارخانه پارسیلون خرم آباد در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خویش در مقابل استانداری لرستان اجتماع کردند و دست به تظاهرات زدند. یکی از کارگران بازنشسته می گوید: از سال ۱۳۸۲ تا امروز در دو نوبت کارگران را بازنشسته کرده اند. نوبت اول پیش از خصوصی شدن کارخانه و نوبت دوم زمانی بوده است که

### اخراج کارگران نیشکر هفت تپه را محکوم می کنیم

شده اند. ما همه جنایات سرمایه داران و دولت آن ها علیه کارگران اعم از دستگیری و زندان و اخراج را قاطعانه محکوم می کنیم و از همه کارگران در همه جای دنیا می خواهیم که به حمایت از کارگران زندانی برخیزند و به کارگرکشی های دولت سرمایه داری ایران اعتراض کنند.

**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری**

۱۳ آذر ۸۸

دولت سرمایه داری ایران ابتدا کارگران را به جرم مطالبه دستمزد خویش به زندان می اندازد و سپس از طریق عوامل و مزدوران خود در مقام مدیران و مالکان کارخانه ها همین کارگران زندانی را به جرم غیبت از کار اخراج می کند!! بیدادگری و درندگی و کارگرکشی سرمایه را هیچ مرزی نیست. بر اساس اخبار منتشر شده، ۵ کارگر سندیکالیست عضو سندیکای شرکت نیشکر هفت تپه که به جرم اعتراض به تعویق دستمزدهای خود و همزنجیرانشان هم اینک به ناحق در سیاه چال های دولت سرمایه اسپرند از سوی مسئولان کارخانه اخراج

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازدید کنید:

[WWW.HAMAAHANGI.COM](http://WWW.HAMAAHANGI.COM)

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

[khbitkzs@gmail.com](mailto:khbitkzs@gmail.com)

## منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کاراضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیخته خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.
- ۳- کارخانگی باید از میان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداقل تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که: - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود. - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
- ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
- ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید: - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند. - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود. - ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد. - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود. - با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- ۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.
- ۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !**  
**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری**

اول ماه مه سال ۱۳۸۸

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

**WWW.HAMAAHANGI.COM**

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

**khbitkzs@gmail.com**

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.